



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۲/۲۵

سیدهاشم سدید

هموطن عزیز جناب حیدری صاحب،

چون پاسخ سوال های تان کمی طولانی شد، با آنکه زیاد کوشش کردم هر چه مختصر تر باشند، آنرا به جای ارسال به دریچه نظریات پورتال به شکل نامه جداگانه در آورده تقدیم شما محترم می کنم:

۱ طرح تقسیم یک تعداد کشور ها در شرق میانه و غرب آسیا از سوی یکی از نویسندگان امریکائی در کتابی که او نوشته بود مطرح شده بود. تطبیق این طرح اما نه ساده است و نه کسی تا کنون بدان علاقه نشان داده است. اسرائیل نه از امروز، که از زمان پیدایش اش در فکر اسرائیل بزرگ بوده است که شامل خیلی از کشور های همجوار و کشور های دیگر در منطقه میگردد که دست یافتن بدان و اجرای طرح تقسیم کشور های شرق میانه، غرب آسیا و آسیای میانه خیال باطلی بیش نخواهد بود.

۲ مشکل کسانی که شما از آن ها نام برده اید نه اسلام است و نه مقابر و اماکن مقدس مسلمانان و نه داعش و طالب و جیش و القاعده و... اگر این ها با اسلام و القاعده و داعش و طالب مشکل می داشتند، آن ها را بوجود نمی آوردند. در این مورد نظر من اینست که ما اولتر از همه باید انگشت ملامت را به سوی خود مسلمانان - مسلمانانی که مخالف منافع دینی - ملی خویش هستند و در خدمت این ها قرار می گیرند - دراز کنیم. زیرا اگر این ها حاضر به خدمت نمی شدند کسی این ها را مجبور به خدمت به خود کرده نمی توانست. ضرب المثلی داریم که: "هر که خر شود، خر سوار سوارش می شود."

۳ در مورد بیت المقدس من به این اعتقاد هستم که بهترین راه برای حل مشکل معبد و شهر بیت المقدس این است که این شهر، شهر تمام ادیان ابراهیمی اعلام شود؛ شهر - کشوری مستقل، مانند واتیکان و همه حق داشته باشند بدون مزاحمت و بدون ممانعت به این شهر سفر کنند. کشور های اسلامی هم باید برای ایجاد چنین شهری با سائر کشور ها از طریق نهاد های بین المللی تلاش کنند تا یکی از تشویش های بزرگ پیروان سه دین ابراهیمی و جهان صلحدوست رفع گردد.

۴ در مورد آنچه از رسانه ها که به تخریب می پردازند و به مسائل قومی دامن میزنند و یا وسیله ای برای شیوع فرهنگ همسایه ها می شوند، که نباید به چنین کار دست بزنند، من با شما موافق هستم. چنین امری به سود ما نیست. من در نوشته ای که مورد انتقاد شما محترم قرار گرفته است، به این موضوع به طور مختصر اشاره نموده ام. جای تعجب است که با وجود این شما این موضوع را چگونه و برای چه به من یاد کرده اید!

۵ من حکم نمی کنم؛ اما امیدوارم، باتوجه به یک سری دلایل، در صورتی که نظام جدیدی در ایران روی کار بیاید، مشکلات ما کمتر شود. زیرا حدس میزنم که اگر نیرو های دموکرات، مترقی، روشنفکر و مخالف جنگ و تباهی، که عمری را در بی وطنی و بدبختی به سر برده اند و قدر صلح و آرامی را بهتر می دانند روی کار بیایند بیشتر به فکر ساخت و ساز کشور خود و همزیستی و زیستن در صلح با همسایگان شان خواهند بود تا خصومت و دشمنی و ... با روی کار آمدن چنین نظام و چنین اشخاصی فکر نکنم مجال برای توطئه های خراسانی ها و یا طرفداران به اصطلاح فارس بزرگ باقی بماند. سیاست در ایران تغییر خواهد کرد و با تغییر سیاست در ایران منابع مالی طرفداران خراسان و... از بین خواهد رفت؛ یعنی گاو میمیرد و کوزه چه میشکند!!

۶ جنگ ها بالاخره پایان می یابند. جنگ سوریه هرچند غیر ضروری، رو به پایان است. تجربه این جنگ، باوجود تلخ بودن آن، برای مردم سوریه در دراز مدت بسیار سازنده خواهد بود. همینطور جنگ های افغانستان.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

یکی از عوامل پیشرفت کشورهای غربی جنگ هائی بوده که در کشور های غرب هر گاه و بیگاه به وقوع می پیوست.

جنگ ها مردم را تکان میدهند؛ مخصوصاً کسانی را که همیشه در خواب زندگی کرده و به زندگی بخور و نمیر قانع بوده اند. جنگ از یک جهت پدیده بسیار منحوس و زشتی است، اما از جهت دیگر عاملی است که مردم را تکان میدهد و به کار می اندازد. به افغانستان خود نگاه کنید! امید به کنه سخن رسیده باشید؛ حیدری صاحب عزیز. ای کاش مردم بدون تکانه و خله از خواب غفلت بیدار شوند و بیدار می شدند! و ای کاش سیستمداران ما از تره کی و کارمل گرفته تا گلبدین و ربانی و سیاف و مجددی ها و گیلانی ها و محقق ها و دوستم ها و کرزی ها آنقدر عقل می داشتند که آله دست این و آن قرار نمی گرفتند و زمینه جنگ و چور و چپاول و تباهی را در کشور مهیا نمی ساختند؛ ولی چه کنیم که "از ماست که برماست!"

۷ جناب حیدری صاحب! دل ما افغان ها آنقدر درد دارد، ما افغان ها آنقدر از دست همسایه های خود، به خصوص ایران و پاکستان درد دیده ایم، که اگر خاک این دو کشور را به توپره بکشند، دل های ما یخ نمی کند. دل سوختاندن به این ها، کسانی که به ما دل نسوخته اند و هزار مشکل برای ما خلق کرده و خلق می کنند، به نظر من، کار درستی نیست!

چقدر اطفال بی گناه این کشور با بی رحمی به دست این ها یا به دست ابادی های شان به خون تپیده اند؟ چقدر زنان این مرز و بوم بیوه شده و محتاج به نان و لباس گشته و در خفت و خواری بسر برده اند؟ چقدر خانه ها بر سر مردمان ما ویران گردیده است؟ شما از فرزند و نواسه های من صحبت کرده اید؛ آیا آن ها فرزندان و نواسه های من و شما نبوده اند؟

من عیسای مسیح نیستم که کسی به یک بر رخم بزند، رخ دیگرم را پیش کنم. ما عیسای مسیح شده نمی توانیم. انسان های عادی هستیم که احساس و عاطفه بشر ضعیف بر ما غلبه دارد. تاریخ چهل سال اخیر کشورم، مخصوصاً با خون صد ها هزار انسان هموطنم رنگین شده است. چگونه می توانم این ها را ببخشم و چگونه می توانم از خیانت های برخی از هموطنان خیانتکار جنایت پیشه ام که در برابر ملک و مردم خود مرتکب صد ها جور و صد ها جفای شده اند، در حالیکه دل سنگدل ترین انسان ها به حال آن ها می سوزد، به سادگی بگذرم؟

شما از ب ۵۲ صحبت می کنید؛ من می خواهم خرمن هستی دشمنان ما را صاعقه ای از بیخ و بن به نیستی بدل کند تا از دل پنج میلیون آواره و میلیون ها دردمند و پسر مرده و پدر مرده و شوهر مرده و یتیم و بیچاره افغان بیایند. مگر این همه انسان پسر و نواسه و خواهر و برادر و پدر و مادر من و شما نبوده اند؟! چقدر بی احساس و، با عرض معذرت، بی مروت هستید!!

۸ من با اسلام مشکل ندارم. هر اعتقادی از یک جهت نه از یک جهت خوبی ها و مزایای خود را دارد. تطبیق آن به نحوی شائسته و مفید به صاحبان آن اعتقاد بستگی پیدا می کند. اگر انسان خوب باشد، به جنبه های سازنده آن اعتقاد، خواه آسمانی باشد یا زمینی، اهتمام می ورزد؛ مانند عرفا، و اگر بد باشد، مانند داعشی ها و طالب ها و گلبدین ها و همسخن های شان به نقاطی متوسل می شوند که غیر از انهدام و تخریب و رنج و افتضاح چیزی حاصل نمی شود.

با اقوامی که در کشورم به نام افغان زندگی می کنند نیز مشکلی ندارم. به همه احترام دارم. اگر کرزی و طالب و گلبدین یا محقق و پدram یا عبدالله و نور و قانونی و اسماعیل و دوستم و... را مورد شماتت قرار می دهم، بخاطر آن نیست که یکی پشتون است و دیگری تاجیک یا هزاره و یا ازبک و... بلکه بخاطر آن است که هر یک از این ها با دار و دسته های شان در حق مردم و در حق ملک خود که ملک و مردم هر یک ما است، بسیار بی انصافی ها نموده اند؛ بی انصافی هائی که قابل بخشش نیستند! از شما انتظار داشتم و انتظار دارم که با سنی که در حال حاضر دارید و با آن همه تحصیلی که کرده اید تفکیک بین این ها و بین مردم را می کردید. به نظر من کرزی ها و اسماعیل ها و سیاف ها و مجددی ها و نور ها و دوستم ها و محقق ها و پدram ها و امثالهم لکه های ننگی هستند که هیچ یک پشتون و هزاره و ازبک و تاجیک و... حاضر نخواهد شد نام های آن ها را با نام پشتون ها و هزاره ها و ازبک ها و تاجیک ها گره بزنند.

۹ فقط یک سؤال از شما محترم دارم: از کدام یک کلمه یا عبارت و یا جمله در نوشته من شما محترم به این استنباط رسیدید که من با قوم پشتون مشکل دارم؟ آرزومندم جواب این سؤال را از شما دریافت کنم!

۱۰ آخرین نکته این که اگر من با دین مشکلی هم داشتم باشم، این موضوع وقتی مسئله یک کشور و پای ملتی در میان باشد در قالب مشکل فکری - اعتقادی یک شخص باقی میماند. در قضایای افغانستان همان چیزی اهمیت دارد که تفکر و اعتقاد همه مردم است، که از صمیم قلب آرزومندم چنین تفکر و اعتقادی تا می تواند سالم و مفید بحال همه باشد!

خدا نگهدار تان.